



The Quarterly Journal of Lesān-E Mobeen
(*Research in Arabic Literature*)

Print ISSN: 2355-8002

Online ISSN: 2676-3516

Article Type: *Research*

Vol. 12, New Series, No.43, Spring 2021



The contrast between 'self' and 'other' in the Arabic Hajj Travelogue

Masoumeh Nemati Ghazvini

Assistant Professor of Arabic Language and Literature Institute of Humanities and Cultural Studies, m.nemati@ihcs.ac.ir

Received on: 21/06/2020

Accepted on: 07/09/2020

DOI: 10.30479/Im.2020.13572.3057

© Imam Khomeini International University. All rights reserved

Abstract

The contrast between the two fundamental concepts of 'self' and 'other' is one of the most critical issues in cultural studies in the present age. By providing an appropriate context for more and more accurate recognition of nations, they can also provide the basis for positive and constructive interaction between nations. This earlier literature study, known as pictorial knowledge, was first developed in the works of French thinkers in the early 19th century and later expanded and deepened by the scientific efforts of people like Freud, Derrida, and Bakhtin. By its very nature, travel literature can be one of the most appropriate contexts for such studies. Through a descriptive-analytical method, the present study studied three pilgrimages from the years 1349-1499 due to the historical significance of this period and concluded that the Muslim and the Arab self are the most prominent manifestations of their concept. The order is in contrast to another West and another Turk.

Keywords: Travel literature imagologie, Arabic Hajj Travelogue, self, another

تصویرشناسی «خود» و «دیگری» در سفرنامه‌های حج عربی*

معصومه نعمتی قزوینی، استادیار زبان و ادبیات عربی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

دو مفهوم بنیادی و هویت‌ساز «خود» و «دیگری»، از مهم‌ترین زمینه‌های مطالعات فرهنگی در عصر حاضر است. این قبیل مطالعات با فراهم آوردن زمینه مناسب برای شناخت هرچه بیشتر و دقیق‌تر ملت‌ها از یکدیگر، ضمن افزایش خودباوری و شناخت از خود، می‌تواند زمینه را برای برقراری تعامل مثبت و سازنده ملت‌ها با یکدیگر نیز مهیا کند. پژوهش‌هایی از این دست در حوزه ادبیات، به دانش «تصویرشناسی» موسوم است که از اوایل قرن نوزدهم برای نخستین بار در آثار اندیشمندان فرانسوی شکل گرفت. ادبیات سفرنامه‌ای به فراخور ماهیت آن، یکی از مناسب‌ترین بسترها برای مطالعاتی از این دست به شمار می‌رود. پژوهش پیش‌رو، با روش توصیفی-تحلیلی به مطالعه و بررسی سه سفرنامه حج معاصر عربی-سفرنامه شکیب ارسلان، محمدحسین هیکل و محمد لطفی جمعه-پرداخته که هر سه مربوط به سال‌های ۱۳۴۹-۱۳۵۹ قمری است و نتایج پژوهش حاکی از آن است که مفهوم «خود» بیشتر در قالب خود مسلمان و خود عرب و مفهوم دیگری در قالب دیگری غرب، دیگری ترک، دیگری وهابی، دیگری شیعه و دیگری غیرمسلمان نمود یافته است.

کلمات کلیدی: ادبیات سفرنامه‌ای، سفرنامه حج عربی، تصویرشناسی، خود، دیگری.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۰۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۶/۱۷

- نشانی پست الکترونیکی (نویسنده مسؤول): m.nemati@ihcs.ac.ir

- شناسه دیجیتال (DOI): 10.30479/Im.2020.13572.3057

** مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی است که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی انجام شده و به پایان رسیده است.

۱. مقدمه

امروزه سفر حج به عنوان یکی از مهم‌ترین و در عین حال باشکوه‌ترین سفرهای دینی به شمار می‌رود که افزون بر بُعد دینی با مسائل سیاسی، فرهنگی و حتی اقتصادی پیوند خورده است. از آنجایی که یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این سفر، تحقق بخشیدن به آرمان وحدت امت اسلامی است، سفر حج همواره در کانون توجه جوامع اسلامی قرار داشته و به تبع آن بخشی از تولیدات فرهنگی و ادبی آنان را به خود اختصاص داده است. سال‌های ۱۳۴۹-۱۳۵۹ قمری به دلایلی چند در تاریخ حج از اهمیت وافری برخوردار است. این دوره مصادف با آغاز دوره حاکمیت قطعی آل سعود به رهبری عبدالعزیز بن عبدالرحمان (۱۳۵۰/۱۹۳۲ق) بر سرزمین عربستان و به تبع آن تشکیل کشور یکپارچه عربستان سعودی است. از این زمان به بعد، کشور عربستان شاهد تحولات اساسی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود. مدرن‌سازی و تسلط اندیشه و هابیت بر این کشور، مهم‌ترین تحولات این برهه از تاریخ عربستان است. از وقایع مهم این دوره، فتح حجاز بود که با کشتار وسیع مردم و نابودی و ویرانی اماکن و زیارتگاه‌های ائمه اطهار^(ع) همراه بود. مروری بر تاریخ کشورهای عربی نشان می‌دهد که مدرن‌سازی به عنوان مهم‌ترین ویژگی فرهنگی این دوره، سبب به وجود آمدن فضای تاریخی و فرهنگی تقریباً مشابهی در کشورهای عربی شده است. این فضا که در نتیجه برخورد با دنیای غرب به وجود آمده بود، زمینه را برای گسترش رابطه شرق و غرب بیش از پیش مهیا کرد. اقبال روزافزون به سفر و به تبع آن شکل‌گیری انواع سفرنامه‌ها، یکی از دستاوردهای این دوره است.

در جهان عرب نیز از قرن سیزدهم هجری به بعد که به عصر نهضت موسوم است، به سبب گسترش ارتباط جهان عرب با دنیای غرب، سفر رواج چشم‌گیری یافت. در این فضا، درکی مضاعف از «کاستی‌ها» در اذهان سفرنامه‌نویسان شکل گرفت و زمینه مقایسه «خود» با «دیگری» در سفرنامه‌ها به وجود آمد. لازم به توضیح است که بر اساس مطالعات صورت‌گرفته درباره ادبیات سفرنامه‌ای و تاریخ معاصر کشورهای عربی، در نهایت سفرنامه‌های زیر با توجه به زمان نگارش آنها و نیز جایگاه برجسته نویسندگان آن در تاریخ و ادبیات معاصر عربی، برای انجام این تحقیق برگزیده شدند: سفرنامه شکیب ارسلان [۱] با عنوان «الارتسامات اللطاف فی خاطر الحاج إلى أقدس مطاف». (۱۳۴۹ق)؛ سفرنامه محمدحسین هیکل [۲] با عنوان «فی منزل الوحي» (۱۳۵۵ق) و سفرنامه محمد لطفی جمعه [۳] با عنوان «الایام المبرورة فی البقاع المقدسة» (۱۳۵۹ق)

پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:

۱) با توجه به ابعاد جهانی و فراملیتی سفر حج، دو مؤلفه مهم هویت‌ساز «خود» و «دیگری» در

سفرنامه‌های حج عربی چگونه ترسیم شده است؟

۲) نحوه تعامل نویسندگان عرب با انواع «دیگری» در سفرنامه‌های برگزیده چگونه است؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

جستجوهای نویسنده نشان‌دهنده آن بود که در ایران، پژوهشی مستقل درباره سفرنامه‌های حج عربی و به ویژه سفرنامه‌های برگزیده این تحقیق انجام نشده است. از آنجایی که سفرنامه‌های برگزیده این تحقیق، مربوط به سفر حج و دوران معاصرند، در این بخش از معرفی پژوهش‌های مرتبط با سفرنامه‌های کهن عربی و یا بعضاً سفرنامه‌های غیرمرتبط با حج، صرف‌نظر شده است.

پایان‌نامه دکترای زبان و ادبیات عربی با عنوان «الحجاز فی أدب الرحلة العربی» نوشته حافظ محمد بادشاه؛ نویسنده در بخشی از این اثر، هفت سفرنامه معروف حج به زبان عربی را در حدود سی صفحه معرفی کرده است. فصل پایانی نیز به بررسی اجمالی ویژگی‌های سبکی و محتوایی هفت سفرنامه برگزیده اختصاص یافته است. از میان هفت سفرنامه برگزیده این کتاب، تنها سفرنامه شکیب ارسلان با موضوع این طرح مرتبط است که تنها دو صفحه از این رساله را به خود اختصاص داده است.

مقاله «حج در آینه سفرنامه‌ها: فی منزل الوحي»، اثر حسن اسلامی. نویسنده در این مقاله ضمن معرفی کوتاه محمدحسین هیکل (سفرنامه نویس) و برشمردن ویژگی‌های کلی سفرنامه وی (یک صفحه)، بخش‌هایی از این اثر را به طور گزینشی نقل و ترجمه کرده است.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. مبانی نظری

دو مفهوم «خود» و «دیگری» از مباحثی جدید است که در حال حاضر در حوزه‌های مطالعات فرهنگی، شرق‌شناسی، فلسفه، روان‌شناسی و نقد ادبی در کانون توجه قرار گرفته است. «در سال‌های اخیر، مطالعه دیگری و نمایش دیگری به صورت مستقل در سنت مطالعات فرهنگی جهان اهمیت یافته و از آن به عنوان دریچه‌ای برای شناخت خود، جامعه و فرهنگ خودی استفاده می‌شود.» (میرزایی، ۱۳۸۹: ۷۷)

دو مفهوم «خود» و «دیگری» «دو شالوده اصلی بنای عظیم کاخ هویت انسانی را در پیوندی تعاملی و دیالکتیکی شکل می‌دهند. هویت معمولاً بر اساس نیاز طبیعی انسان به شناختن و شناخته شدن به وجود می‌آید. انسان‌ها به محض تولد در جغرافیا، طبقه، تاریخ و محیطی قرار می‌گیرند که این عوامل بخشی از ساختار غیراکتسابی هویت آنان را می‌سازد.» (لطیف‌پور و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۴)

مفهوم «خود»، ویژگی‌های اصلی و اساسی یک شخص، گروه و یا در معنای وسیع‌تر، جامعه و کشوری است که او را از دیگر اشخاص، گروه‌ها، جوامع و کشورها متمایز می‌گرداند. (همان: ۷۴-۷۵)

مفهوم «دیگری» یا «غیر» مفهومی است که وجود آن در نسبت با وجود «خود» رقم می‌خورد و عواملی

چون: زبان، مذهب، جغرافیا، جنسیت، دین و... ماهیت آن را شکل می‌دهند. (تودورف، ۱۳۷۷: ۱۸۰) فوزی عیسی معتقد است که مفهوم دیگری، هر بیگانه متضاد با خود عربی است که بنابر شرایط سیاسی، اجتماعی، جغرافیایی یا تمدنی، روابطی میان آن‌ها شکل گرفته است. (عیسی، ۲۰۱۰: ۵)

«دیگری» تنها در حوزه فلسفه پدیدار نشد؛ بلکه «ادبیات نیز به نوبه خود، شاهد حضور پررنگ این مفهوم تازه‌وارد به مباحث ادبی بود. در این باره آثار و اندیشه‌های میخائیل باختین سهم عمده‌ای را ایفا کرده است.» (انصاری، ۱۳۸۴: ۱۷۵)

ورود این مفاهیم به ساحت ادبیات، سبب شکل‌گیری شاخه‌ای نوپا در ادبیات تطبیقی شد که بعدها تصویرشناسی (imagologie) نام گرفت. «موضوع تصویرشناسی، مطالعه تصویر دیگری و به بیان دقیق‌تر تصویر فرهنگ دیگری و یا عناصر آن در ادبیات و هنر است. به عبارت دیگر تصویرشناسی، دانش و روشی است که در آن تصویر کشورها و شخصیت‌های بیگانه در آثار یک نویسنده یا یک دوره و مکتب مطالعه می‌شود.» (نامور مطلق، ۱۳۸۸: ۱۲۲) در تولید تصاویر، افزون بر واقعیت‌های بیرونی، تصاویر پیشین، پارادایم‌ها و ایدئولوژی‌های فرهنگ، مؤلف و خواننده تصویرساز نیز موثر است. (گاردینر، ۱۳۸۱: ۱۲۶) اهمیت مطالعات تصویرشناسی ناشی از این مسأله است که شناخت فرهنگ‌های دیگر می‌تواند به ایجاد تفاهم میان فرهنگ‌ها و به تبع آن افزایش اخوت و مهربانی و کاهش جنگ، نزاع و نژادپرستی منجر شود. (عباسعلی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲)

ماجده حمود سه نوع رویکرد را در تصویرسازی از دیگری بر شمرده است: رویکرد اول تصویرسازی با نگاه منفی است (التشویه السلبی)؛ این نوع تصویر بر اساس روابط خصومت‌آمیز و یا سوءتفاهم با دیگری شکل می‌گیرد و در آن فرهنگ بیگانه نسبت به خودی، در جایگاه فرودست قرار می‌گیرد. رویکرد دوم، تصویرسازی با نگاه مثبت است (التشویه الإيجابية) که در آن، فرهنگ بیگانه بدون دلایل قابل قبول نسبت به فرهنگ خودی در جایگاه بالادست قرار می‌گیرد. در رویکرد سوم برخلاف دو رویکرد پیشین، تصویرسازی بر اساس رابطه‌ای متعادل میان خود و دیگری شکل می‌گیرد (التسامح)؛ در این نوع تصویر، فرهنگ دیگری هم‌تراز فرهنگ خودی قرار می‌گیرد نه بالاتر یا پایین‌تر از آن. (حمود، ۲۰۰۰: ۱۲۰-۱۲۱ و عبود، ۱۹۹۸: ۳۷۱)

۲-۲. تصاویر خود و دیگری از نگاه سفرنامه‌نویسان عرب

رواج اندیشه‌های ملی‌گرایانه در کشورهای عربی یکی از پیامدهای ورود جریان مدرنیسم غربی در این کشورها بود. در نتیجه برخورد این کشورها با دنیای غرب، بحران هویت ابتدا در میان روشنفکران و سپس در میان عامه مردم شکل گرفت. هرچند پیش از این نیز عرب‌های مسلمان در زمان فتوحات، تجربه برخورد و تقابل با «دیگری» را به دست آورده بودند؛ اما تجربه پیشین با تجربه جدید تفاوت‌هایی اساسی داشت. مهم‌ترین تفاوت دو مرحله یادشده این است که در دوره فتوحات، گفتمان برتری «خود» بر

«دیگری» از جهت دینی، نژادی و تمدنی بر اذهان اعراب و مسلمانان غلبه داشت، حال آنکه از عصر نهضت به بعد، برتری با «دیگری» است. بدین معنا که آن‌ها در مرحله اول در موضع برتر قرار گرفته و دست به مقایسه خود با دیگری نزدند؛ اما در مرحله دوم به مقایسه خود با پیشرفت‌های جهان غرب پرداخته و خود را در مقایسه با «دیگری» ارزیابی کردند، به طوری که این تفاوت در سفرنامه‌های دو دوره به خوبی نمود یافته است. (محمد فهیم، ۱۹۸۹: ۱۷۵) بر این اساس در سفرنامه‌های مرحله اول، اندیشه برتری عرب بر عجم و مسلمان بر غیرمسلمان مسلط است و دیگری، غالباً با اوصاف منفی توصیف می‌شود تا جایی که حتی در برخی موارد، شهرهای غیراسلامی اصلاً توصیف نمی‌شوند. در مقابل، برخورد سفرنامه‌نویسان مرحله دوم با جهان غرب (دیگری)، نوعی تعامل عقلانی همراه با تأمل، تحلیل و مقایسه است. (همان: ۱۷۷) لازم به توضیح است که منظور از تعامل عقلانی، از میان رفتن نگاه منفی به دیگری غرب نیست؛ بلکه به معنای تعاملی دوجهبی با غرب است که در یک‌سوی آن، نگاه تقابلی و منفی و در سوی دیگرش نگاهی مثبت و تحسین‌برانگیز به چشم می‌خورد.

۲-۲-۱. انواع تصویر خود در سفرنامه‌های حج عربی

مفهوم خود در سفرنامه‌های حج عربی در قالب دو تصویر اصلی یعنی خود مسلمان و خود عرب نمود یافته است که البته تصویر اول به فراخور ماهیت دینی سفرهای حج، پررنگ‌تر است.

۲-۲-۱-۱. تصویر خود مسلمان

خود مسلمان در اندیشه نویسندگان عرب به دو صورت ترسیم می‌شود. اول با نگاهی مثبت و نشأت‌یافته از تمدن عظیم اسلامی و دوم با نگاهی انتقادی و ناظر بر نواقص و کاستی‌ها که البته نگاه دوم نسبت به نگاه اول، نمود بیشتری دارد.

تفاخر به خود مسلمان، یادآوری تمدن باشکوه اسلامی و لزوم بازگشت به شیوه سلف صالح برای حل مشکلات کنونی جهان اسلام، از مصادیق نگاه اول است. به عنوان نمونه از سلمان ضمن انتقاد از ویرانی حجاز و به ویژه حرمین، اسلام را از تهمت ویرانگری بری دانسته است. او تاریخ و تمدن درخشان اسلامی را گواهی برای ادعای خود آورده و مسبب بدبختی و عقب‌ماندگی و ویرانی کشورهای اسلامی را مسلمانان می‌داند نه اسلام:

وإنما كان المسؤول عن هذا الانحطاط المسلمين لا الإسلام، والقرار لا الكتاب والحملة لا المحمول،
والخزنة لا المخزون وهؤلاء هم الذين فقدوا الممالك وخسروا المجد القديم وجنوا هذه الجنایة علی
الشريعة الإسلامية والمبادي القرآنية والآداب العربية والثقافة الشرقية (ارسلان، ۲۰۱۲: ۵۳).

جمعه نیز در بخشی از یادداشت‌های خود ضمن اشاره به پاره‌ای از قوانین به ظاهر سخت‌گیرانه اسلام، آن را دقیق، عالمانه و بازدارنده برشمرده است. جالب آن که، جمعه به عنوان فردی که در غرب و

در رشته حقوق تحصیل کرده، نگاهی واقع‌بینانه و منصفانه به حقوق اسلامی دارد. او در پاسخ به منتقدان حقوق اسلامی، به دو نکته اشاره کرده است: نخست این که مجازات‌های اسلامی به صورت یک‌باره و مستقیم اجرا نمی‌شود؛ بلکه پیش از آن راهکارهایی جهت هشدار و تنبیه ارائه شده است و دیگر آن که در کنار مجازات‌های سخت اسلامی مانند قصاص، رأفت و رحمت اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفته است:

ولم تكن الحدود هي العقوبات المباشرة، بل يسبقها التعزير والإنذار، وإن الحدود التي منها القصاص وفيه حياة الأمم والأفراد لم تمنع انبعاث الرحمة والنور في بغداد وفي دمشق والقاهرة وفي بلاد الأندلس وإسبانيا العربية، بينما كان كثير من الأمم الغربية غارقة في بحور من ظلمات الجهل والقسوة، كما يشهد بذلك كثير من المؤرخين. (لطفی جمعه، ۲۰۱۲: ۱۲۲)

در مقابل این نگاه، دیدگاه انتقادی نسبت به خود مسلمان است که در جای‌جای سفرنامه‌ها به چشم می‌خورد. این نگاه‌های انتقادی گاه معطوف به عامه مسلمانان و گاه معطوف به حکومت‌های اسلامی است. به عنوان نمونه، ارسالن مسأله بی‌توجهی حکومت‌های اسلامی به وقف و به ویژه موقوفات حرمین را به شدت مورد انتقاد قرار داده است:

فهذه الحكومات بلغت جانبا من هذه الأوقاف، ومحت رسومه، وجعلت شروط واقفيه كامل الدابر، وأكلت ربع الجانب الآخر، وحوته إلى مهالك معلومة ليس لها تعلق بالحرمين الشريفين ولم تبال ما عملت (ارسلان، ۲۰۱۲: ۸۱)

او در بخش دیگری از یادداشت‌های خود، وابستگی مسلمانان به تسلیحات اروپایی را مورد انتقاد قرار داده و یادآور می‌شود که اگر روزی اروپا از فروش سلاح به جهان عرب یا مسلمانان خودداری کند، آن‌ها چگونه می‌توانند در مواقع لزوم از خود دفاع کنند؟

فاليوم قد انعكست الأمور وصرنا في وسائل الدفاع عيالا على أعدائنا أنفسهم، فإن طاب لهم أن يتفقوا علينا ويمنعوا عنا السلاح بأجمعه أمسينا وليس ما ندافع به طياراتهم ودباباتهم ومدافعهم وقذائفهم سوى أصابعنا وأظافرنا (همان: ۱۵۸)

خود مسلمان نیز در سفرنامه جمعه، غالباً با رویکردی انتقادی ترسیم شده است. علم بدون عمل، کوتاهی در حفظ میراث تمدن اسلامی، بی‌توجهی به امور حرمین و مسائل مرتبط با حج از مهم‌ترین دلایل این رویکرد است. به عنوان نمونه، نویسنده هنگام دیدار از آثار تاریخی مکه، از نامعلوم بودن اطلاعات تاریخی مرتبط با این آثار و شک و تردید مطوف‌ها در معرفی آن، به شدت تعجب و انتقاد کرده است:

ماذا يقول المطوف المرتعب من الشك والريبة في صحة نسبة الأماكن إلى ذويها، هذا ليس بيت خديجة وهذا ليس جبل أبي قبيس وهذه ليست الكعبة وهذا ليس المسجد الحرام وهذه ليست مكة! (لطفی جمعه،

خود مسلمان در سفرنامه هیکل نیز بیشتر با رویکردی انتقادی ترسیم شده است. انتقاد هیکل از خود مسلمان بیشتر به علت مسائلی هم‌چون تفرقه‌گرایی، مادی‌گرایی، فاصله گرفتن از سیره رسول خدا (ص) و سلف صالح، سطحی‌نگری، جهل و خودخواهی است. دعوت به وحدت اسلامی و پرهیز از تفرقه‌گرایی، یکی از بن‌مایه‌های اصلی اندیشه هیکل است. مهم‌ترین علت انتقاد وی از خود مسلمان نیز مربوط به همین مقوله است که بارها بر آن تأکید شده است:

أما اليوم فينصرف أكثر المسلمين عن هذا السمو الفكري، ويتعلقون بروايات تصحّح أو لا تصحّح ويجعلونها
علّةً لخلافهم ونضالهم ولإقامة الفرق والشيع المتناحرة بينهم، بل لرمي بعضهم بعضا بالمروق
والكفر. (هیکل، ۲۰۱۲: ۲۰۳)

۲-۲-۱. تصویر خود عرب

خود عرب در اندیشه نویسندگان مورد بحث، غالباً دامنه قومیتی دارد تا ملی‌گرایی وطنی؛ هرچند که در برخی از سفرنامه‌ها، نمود ملی نیز به ندرت مشاهده می‌شود.

ارائه اوصاف مثبت حتی درباره اقلیم گرم و خشک حجاز به عنوان بخشی از سرزمین عربی و تأکید چندباره بر اصالت نژاد سامی در این منطقه، نشان از نگاه مثبت لطفی جمعه به خود عرب است. او حتی معتقد است ظهور اسلام در حجاز، امری تصادفی نبوده؛ بلکه محدود بودن گستره جغرافیایی، شرایط خاص اقلیمی و زبان عربی در این امر مؤثر بوده است؛ وی در این زمینه حجاز را با یونان مقایسه می‌کند که علی‌رغم محدودیت در گستره جغرافیایی، بستر جوشش بسیاری از دستاوردهای ادبی، دینی، فلسفی، حکمی و ... بشری بوده است:

وليس من المصادفات أن ظهر الإسلام في الحجاز، فإنّ مساحة البلاد تؤثر في اتجاهها الديني والعقلي
والسياسي، فإنّ الحجاز على صغرها كبلاد اليونان قد أنتجت أدبا ودينا وحكمة وفصاحة وفلسفة وأنشأت
في كنفها لغة صارت من أغنى لغات العالم وأفصحها وأبلغها (لطفی جمعه، ۲۰۱۲: ۱۷-۱۶).

با همه تأکیدی که نویسنده بر اصالت نژاد عرب در حجاز و یا تأثیر عوامل اقلیمی آن بر رشد و توسعه اسلام دارد، در بخش‌هایی از سفرنامه خود، قومیت‌گرایی در مفهوم نژادپرستی را به عنوان یکی از موانع تحقق وحدت اسلامی، مورد انتقاد قرار داده است.

اندیشه عربیت در منظومه فکری هیکل، همواره با اندیشه اسلامی آمیخته است و به ندرت می‌توان ردپایی را از عربیت منهای اسلام در سفرنامه او یافت؛ هرچند که نویسنده برای تمدن و فرهنگ عربی حتی پیش از اسلام نیز هویتی مستقل قائل شده و معتقد است علی‌رغم انکار امروز ما، قوم عرب پیش از اسلام نیز صاحب تمدنی قابل توجه بوده که اعراب به دلیل بی‌توجهی و کوتاهی خود نسبت به آن، وجودش را انکار کرده‌اند:

ولا بدّ أن قد كان العرب في صدر الإسلام ينعمون بحضارة نكرها اليوم عليهم؛ لأن أبناءهم أنكروها عليهم بإهمالهم إياها، بل أراني أميل إلى الظن بأن هذه الحضارة كانت قائمة بنعم بها أهل هذه البلاد قبل الإسلام، وأنّ الدين القيمّ قد نزل على قوم لهم من الحضارة هذا الحظ الأوفى (هيكل، ۲۰۱۲: ۲۸۹).

نکته قابل توجه در این باره، این است که با وجود تأکید بر جایگاه تمدن عرب پیش از اسلام، هیکل، با تقدیس قومیت یا قوم‌گرایی - در مفهوم مقابل با وحدت اسلامی - مخالف است. به باور او، قومیت‌گرایی با تفکر اسلامی در تضاد است؛ زیرا اندیشه اسلامی مبتنی بر توحید، آزاداندیشی و صلح‌طلبی است که در نهایت به اندیشه جهان‌وطنی مبتنی بر برادری و مودت میان همه اقوام بشری منجر می‌شود، حال آن که مبنای قوم‌گرایی، تقدیس قومیت‌ها بر مبنای درگیری و رقابت است که در نهایت به تفرقه و جدایی منجر خواهد شد:

والفكرة الإسلامية المبنية على التوحيد في الإيمان بالله تنزع في ظلال حرية الفكر إلى وحدة الإنسانية، وحدة أساسها الإخاء والمحبة، فالمؤمنون في مشارق الأرض ومغاربها إخوة يتحابون بنور الله بينهم؛ وهم لذلك أمة واحدة تحيتها السّلام وغايتها السلام، وهذه الفكرة الإسلامية تخالف ما يدعوه إليه عالمانا الحاضر من تقدیس القوميات وتصوير الأمم وحدات متنافسة يحكم السيف وتحكم أسباب الدمار بينها فيما تتنافس عليه (همان: ۲۰).

۲-۲-۲. انواع تصاویر دیگری در سفرنامه‌های حج عربی

۲-۲-۲-۱. تصویر دیگری غرب

تا پیش از جنگ جهانی اول، عرب‌ها هرگز به فکر استقلال و جدایی از پیکره امپراتوری عثمانی نبودند؛ اما بعد از جنگ جهانی اول روند مسائل تغییر کرد. از این پس، عرب‌ها خواهان استقلال از ترک‌ها و غیرترک‌ها شدند. در واقع می‌توان گفت که «ناسیونالیسم عربی در این مرحله تحت تأثیر اندیشه‌های اروپایی، به عکس‌العملی بر ضد وحدت اسلامی تبدیل شد و رنگ و بوی لیبرالیستی و غیرمذهبی به خود گرفت.» (خدوری، ۱۳۶۰: ۲۸) حرکت ناسیونالیسم عربی به سوی غرب، سبب انحراف و در نهایت ناکامی آن شد. عرب‌ها که با دل سپردن به حمایت‌های دولت‌های غربی به ویژه انگلیس، در انتظار تحقق استقلال و آزادی بودند، نه تنها به اهداف خود نرسیدند؛ بلکه با تجزیه امپراتوری عثمانی در جریان جنگ جهانی اول، تحت سلطه استعماری دول غربی قرار گرفتند. از این پس، زمینه شکل‌گیری نگرش منفی و نگاهی بدبینانه به غرب در سرزمین‌های عربی فراهم شد. (عنایت، ۱۳۵۸: ۱۳) فروپاشی امپراتوری عثمانی، ضمن این که سبب تجزیه جهان یکپارچه اسلام شد، سبب برخورد جهان اسلام و کشورهای عربی با دنیای مدرن غرب و آگاهی کشورهای عربی و اسلامی از عقب‌ماندگی خود شد. (مرادی، ۱۳۸۴: ۳۴)

دیگری غرب در سفرنامه‌های یاد شده، در دو وجه متفاوت نمود یافته است. به بیان دیگر، تصویر دیگری غرب در سفرنامه‌های مورد بررسی، از شاخص منفی تا مثبت در نوسان است که غالباً در آن، چهره منفی از دیگری غرب نسبت به چهره مثبت آن، برجسته‌تر است. چهره منفی دیگری غرب در این سفرنامه‌ها با گزاره‌هایی چون: اشغال‌گری، دشمنی، استعمارگری، دزدی، جاسوسی و بیگانگی ترسیم شده است که ریشه در حوادث پس از جنگ جهانی اول و تغییر نگاه جهان عرب به غرب دارد. در مقابل، چهره مثبت از دیگری غرب، معطوف به پیشرفت‌های علمی و تمدنی غرب است که اندیشمندان عرب با نگاهی واقع‌بینانه و البته مقایسه‌ای بدان نگریسته‌اند.

ارسالان با تعبیر «دشمن» از کشورهای غربی یاد می‌کند. او هنگام انتقاد از سوءمدیریت حاکمان اسلامی، آن را زمینه‌ساز طمع‌ورزی دشمنان دانسته و تکه‌تکه شدن جهان عرب بعد از جنگ جهانی اول توسط کشورهای استعمارگر غربی را شاهدهی بر مدعای خود می‌داند:

ولما كان يستحيل أن تسوء الإدارة في الداخل بدون أن يستأسد العدو من الخارج؛ لأن الأمم المتجاورة بعضها لبعض بالمرصاد، يهتبل الغرة ويقتحم العورة، لم يلبث ظلم الأمراء بتساهل العلماء، وما نشأ عن ذلك من اضطراب الدهماء أن أحدث الأثر المنتظر، وأتى بالنتيجة البديهية من امتداد يد الغريب وطعمه في ممالك المسلمين واقتطاعه العالم الإسلامي قطرا بعد قطر، وضره على المسلمين الذل والمسكنة، بعد أن كانوا سادة الأرض وحلفاء النصر. (ارسالان، ۲۰۱۲: ۵۳)

دیگری غرب در سفرنامه لطفی جمعه نیز چهره‌ای منفی دارد. او در بخشی از سفرنامه خود، ضمن نفی نگاه‌های منفی و تحقیرآمیز دانشمندان غربی به اقلیم حجاز، آن را یکی از مزایای این سرزمین برشمرده و مستشرقان غربی را به جاسوسی، دشمنی و هم‌دستی با استعمارگران متهم می‌کند:

إن أوصاف الطبيعة الحجازية ليست في كل ما كتبه الكاتيون على ما يرام ولا تقضى حقوق هذه البقعة من الأرض... ولكنها تكون غير ذلك إذا تعرض لبحثها ودرسها العالم الجيولوجي والخبير بالمعادن غير علماء الإفرنج الذين ذهبوا إلى الحجاز على استخفاء وتكر... وهم في الحقيقة جواسيس لا علماء ورواد استعمار لا استفسار وطلائع غزاة لا هداة وأعداء ألداء في ثياب أصدقاء ومشركون في حلية المسلمين فهؤلاء لا خير فيهم ما عدا واحدا أو اثنين ممن أخلصوا وصدقوا. (لطفی جمعه، ۲۰۱۲: ۱۳)

هیكل در سفرنامه خود، گزارشی تقریباً مفصل از وضعیت عمرانی و فرهنگی شهر مدینه ارائه داده است. این یادداشت‌ها نشان می‌دهد که هنگام دیدار نویسنده از مدینه، این شهر در وضعیتی بسیار نامناسب و رقت‌بار قرار داشته است، به طوری که شمار زیادی از ساکنان آن به شهرهای دیگر مهاجرت کرده‌اند. هیكل، تفرقه‌انگیزی غرب را در میان امت اسلامی، عامل اصلی عقب‌ماندگی و وضع نامطلوب شهر مدینه می‌داند:

إذن لما أصاب مدينة الرسول ما أصابها بعد أن تشتت أهواء المسلمين وتفرقت كلمتهم بما أطمع فيهم الاستعمار إذ جعل قلوبهم شتى (هیكل، ۲۰۱۲: ۴۱۷)

در کنار این نگاه منفی، نگاهی واقع‌گرایانه و مبتنی بر تعاملی سازنده نیز وجود دارد. بدین معنا که برخورد اندیشمندان عرب با غرب، صرفاً از موضع تقابل و ستیز نیست؛ بلکه در مواردی نیز از رویکرد مقایسه‌ای و تقلیدی برخوردار است. نویسندگان عرب در کنار توجه به نقاط تیره تمدن غرب، به برخی نقاط مثبت آن نیز توجه داشته و لزوم الگوبرداری از این نقاط را یادآوری کرده‌اند. به عنوان نمونه، هیکل هنگام مواجهه با ویرانی برخی از آثار تمدن اسلامی و عدم تلاش مسلمانان برای حفظ آن، به تلاش غربیان در پاسداشت میراث فرهنگی و تمدنی خود، اشاره کرده است:

وقد أَسَفْتُ لِحِرْمَانِي مِنْ زِيَارَةِ هَذِهِ الدَّارِ، أَنَا الَّذِي زَرْتُ بِأُورُوبَا أَمَاكُنَ وَدَوْرًا صَانَتِهَا الْحُكُومَاتُ ذِكْرِي
لِلْعِظْمَاءِ الَّذِينَ وَلَدُوا بِهَا، أَوْ أَقَامُوا فِيهَا؛ أَوْ لِأَنَّهَا شَهِدَتْ مِنْ حَوَادِثِ حَيَاتِهِمْ أَمْرًا خَلَّدَتْهُ صَحْفُ التَّارِيخِ،
وَإِنَّمَا هُوَ عَلَيَّ الْأَسْفُ مَا عَلِمْتَهُ مِنْ أَنَّ دَارَ الْأَرْقَمِ تَغْيِيرَتْ مَعَالِمَهَا وَلَمْ يَبْقَ فِيهَا مَا يَذْكُرُ بِهَذَا الْحَادِثِ
الْعَظِيمِ فِي حَيَاةِ الْعَالَمِ الرَّوْحِيَّةِ. (همان: ۱۸۴-۱۸۳)

ارسالان نیز مانند هیکل بر لزوم توجه مسلمانان به زمینه‌های پیشرفت غرب تاکید دارد. وی به منظور ریشه‌یابی مشکلات و عقب‌ماندگی جهان اسلام، در چند بخش از یادداشت‌های خود به مقایسه تفکر غربیان با تفکر مسلمانان پرداخته و نمونه‌هایی را نیز ذکر کرده است. او به عنوان نمونه، نیروی اراده و تلاش اروپاییان را با روحیه تبلی و بهانه‌تراشی مسلمانان مقایسه می‌کند. به باور وی، علت پیشرفت اروپا، نیروی عزم و اراده و تلاش آن‌ها است، نه نیروی بخار:

فإنَّ الرِّقِيَّ الْأُورُوبِيَّ لَمْ يَكُنْ مَبْدُؤَهُ الْبِخَارَ وَتَمُوجَاتِ الْهَوَاءِ وَإِنَّمَا كَانَ مَبْدُؤَهُ النَّهْوَضَ وَالْإِرَادَةَ، وَمِنْهُمَا
وَصَلَ بِهِمْ اجْتِهَادُهُمْ فِي الْبَحْثِ وَالتَّنْقِيْبِ إِلَى اسْتِخْدَامِ قُوَّةِ الْبِخَارِ وَقُوَّةِ الزَّيْتِ وَالْإِسْتِفَادَةَ مِنْ تَمُوجِ
الْهَوَاءِ، فَأَصْلُ الرِّقِيَّ هُوَ إِرَادَةُ الرِّقِيَّ. (ارسالان، ۲۰۱۲: ۶۷)

ارسالان هنگامی که از شرایط دشوار جوی و گرما و خشکسالی حجاز سخن می‌گوید، عدم اهتمام مسلمانان را به عمران و آبادی مکه به بهانه شرایط اقلیمی، مورد انتقاد قرار می‌دهد. او با بیان اینکه سرزمین‌های گرم و خشک بسیاری در دنیا به مدد علم و اراده اروپایی‌ها آباد و حاصل‌خیز شده‌اند، مسلمانان را به سبب بهانه‌جویی و ایستایی در عقاید قرون وسطایی خود و جبهه‌گیری در برابر هرگونه نوآوری، مورد سرزنش قرار می‌دهد:

فَالْأُورُوبِيُّونَ احْتَلَوْا بِلْدَانًا كَثِيرَةً مِنْ أَفْرِيْقِيَا وَأَسِيَا هِي فِي الْحَرَارَةِ مِثْلَ مَكَّةِ، وَمِنْهَا مَا هُوَ أَشَدُّ حَرَارَةً مِنْ
مَكَّةِ، وَتَرَى هَذِهِ الْبِلْدَانَ الْآنَ بِفَضْلِ الْعِلْمِ وَالْفَنِّ وَالدَّبَّابِ وَالثَّبَاتِ غَيْرَ مَا كَانَتْ مِنْ قَبْلِ. (همان: ۳۳)

او همچنین مسلمانان را از جهت بی‌توجهی به امور حرمین، مورد انتقاد قرار داده و عملکرد آن‌ها را با عملکرد مسیحیان نسبت به کلیسای کاتولیک در ایتالیا مقایسه می‌کند. ارسالان علت این وضع در جوامع اسلامی را، رواج بی‌حرمتی به دین و تداخل دین با قومیت می‌داند. این در حالی است که همه کاتولیک‌های جهان از دور و نزدیک بدون توجه به اینکه این کلیسا در کجا واقع شده است، کمک‌های مالی خود را بدانجا سرازیر می‌کنند:

وقد فشت هذه العادة الذميمة في الحكومات الإسلامية بفشو الاستخفاف بالدين، وبحمل الواجبات الدينية على المبادئ القومية، والحال أن الدين لا علاقة له بالقومية وكلّ منهما له حدود غير موقوفة على حدود الآخر، ونحن نجد أن الفاتيكان مرجع ديني لأربعمائة مليون كاثوليكي، وهم من أجناس لا يحصى عديدها، ونجد أن خزنة البابا كخزانة دولة من الدول، ولم يمنع كاثوليك الدنيا أن يرفعوا إليه إعاناتهم، وصدقاتهم، وكونه طليانياً، وكون الفاتيكان في إيطاليا (همان: ۸۱).

نمونه‌های مود برر سی حاکی از این است که تصویر دیگری غرب بر مبنای تسامح و تعامل است. بدین معنا که نویسندگان یادشده، در تصویرسازی از دیگری غرب، هم به جوانب مثبت و هم به جوانب منفی توجه داشته‌اند.

۲-۲-۲. تصویر دیگری ترک

با وجود همه عوامل مؤثر در فروپاشی امپراتوری عثمانی، همکاری دو قوم ترک و عرب در حفظ سیادت و قدرت امپراتوری عثمانی تا اوایل قرن بیستم ادامه داشت. با پیروزی انقلاب ترکان جوان و سرنگونی عبدالحمید، جانشینان وی سیاست پان‌ترکسیم و یا تورانی‌گری را در پیش گرفته و موجب ایجاد شکاف و تفرقه میان دو قوم ترک و عرب شدند. این جریان که تقریباً با آغاز جنگ جهانی اول همراه بود، سبب شد بیگانگان برای بهره‌برداری از شرایط موجود وارد میدان شوند. (عنایت، ۱۳۵۸: ۱۳) عرب‌ها که مدت‌ها به وحدت اسلامی ایمان داشتند، رفته‌رفته در برابر سیاست‌های جدید ترک‌ها جبهه‌گیری کردند. مقاومت افراطیون ترک و اصرار آنان بر اجرای سیاست‌های آسیمیلیسیون یا همگون‌سازی فرهنگی (Cultural assimilation)، رهبران بی‌میل عرب را به دامان لیبرال‌هایی انداخت که مدت‌ها خواهان یک «بیداری عربی» بر اساس اصول ناسیونالیستی بودند. (خدوری، ۱۳۶۰: ۲۳) تا پیش از جنگ جهانی اول، عرب‌ها هرگز به فکر استقلال و جدایی از پیکره امپراتوری عثمانی نبودند؛ اما بعد از جنگ جهانی اول روند مسائل تغییر کرد؛ از این پس، عرب‌ها خواهان استقلال از ترک‌ها و غیر ترک‌ها شدند. (همان: ۲۸) قوم ترک به دیگری قوم عرب مبدل شد و در تقابل با آن قرار گرفت.

با ورود اندیشه ملی‌گرایی به عنوان یکی از مظاهر مدرنیسم غربی، از یک سو قومیت‌گرایی به اندیشه غالب متفکران عرب مبدل شد و از سویی با شکل‌گیری مسأله هویت، نگاه تقابلی و ستیزه‌جویانه با ترک‌ها در جهان عرب شکل گرفت. بدین معنا که اندیشه ملی‌گرایی عرب، ریشه وضعیت نامطلوب کنونی جهان عرب را در وهله نخست، استیلای چندصد ساله ترکان عثمانی بر ممالک عربی و در وهله دوم حضور استعمارگران اروپایی در این کشورها می‌دانست. لطفی جمعه در بخش‌هایی از سفرنامه خود، ضمن مقایسه وضعیت کنونی حجاز در دوره حاکمیت آل‌سعود با دوره‌های پیشین آن، یعنی دوره حاکمیت ترک‌ها و خاندان شریف، ریشه مشکلات این منطقه را برخاسته از عملکرد حاکمان ترک می‌داند و با استفاده از

صفت‌های منفی‌ای چون: ستمگری، طمع‌کاری و خشونت، رویکرد و موضع خود را نسبت به حاکمان ترک نشان می‌دهد:

وقد فهمت أن هؤلاء العرب على دين ملوكهم، ويتبعون أخلاقهم و سيرتهم فإذا كان الحاكم في الحجاز (وهي البلاد التي رأيتها) من خيار الناس العادلين البعيدين عن المظالم كالملك عبد العزيز آل سعود كانت الحال في الشعب كذلك. وإن كان من الظالمين المتعنتين القساة الظالمين كما كان الحال في عهد الأتراك والأشراف كانت الحال في الشعب كذلك. (لطفی جمعه، ۲۰۱۲: ۴۲)

او همچنین در بخشی از یادداشت‌های خود، ضمن اشاره به انواع مصائب و مشکلات مردم حجاز در دوره حاکمیت ترکان، مانند: ظلم و ستم، مالیات‌های کمرشکن، مصادره اموال، مجازات‌های ناعادلانه، ترور، استبداد، تصرف در اموال و ... حاکمیت عرب‌ها را بر این منطقه، عامل رهایی مردم از این مشکلات می‌داند:

ولا ريب أنّ أهل الحجاز راضون بهذا الحكم ومستبشرون به، وقد رفعت عن صدورهم وظهورهم مظالم كثيرة كانوا يعانونها في العهود الماضية، وما زالوا يتحدثون بها، فلا إرهاب ولا ضرائب فادحة، ولا مصادرة أموال، ولا اعتقال بغير قضاء، ولا تحكّم في أعناق الرجال، ولا إرهاب ولا تسخير ولا متاجرة بالماء والخبز في المواسم، وهذه نعم يحمدون الله عليها. (همان: ۱۱۱)

ارسالان نیز در بخشی از یادداشت‌های خود، مصطفی کمال آتاتورک، رئیس جمهور وقت ترکیه را به علت غرب‌زدگی و جلوگیری از اعزام حجاج ترک به عربستان، به شدت مورد انتقاد قرار داده است. وی علت این تصمیم آتاتورک را عدم واریز اموال ترک‌ها به یک کشور عربی و یا به عبارتی صرفه‌جویی اقتصادی می‌داند، حال آن که ارسالان، معتقد است: آتاتورک با غرب‌زدگی و تقلید از غرب، سبب ورشکستگی اقتصادی ترکیه شده و خسارت‌هایی را به ملت خود وارد کرده است که به هیچ وجه، قابل مقایسه با هزینه‌های حج نیست:

ولقد حرم الحجاز منذ سنتين أو ثلاث حاج الأناضول؛ لأنّ مصطفى كمال يأبى أن ينفق التركي شيئاً من ماله في بلاد عربية، فهو قد أراد هذا لأجل التوفير على الأتراك بزعمه، ويا ليتة احتاط للتوفير على أمته في الطرق التي ذهبت فيها الملايين من أموالهم إلى جيوب الإفرنج كالخمر، والميسر، والألبسة الإفرنجية، وما أشبه ذلك مما كان السبب في هوي تركيا الاقتصادي إلى ما هوت إليه. (ارسالان، ۲۰۱۲: ۷۶)

هیكل نیز در برخی موارد، ریشه مشکلات موجود در حجاز و به ویژه مکه و مدینه را در سوء مدیریت حاکمان ترک جستجو می‌کند. به عنوان نمونه، هنگام توصیف وضعیت فرهنگی مکه، رواج گدایی را نکوهش کرده و معتقد است چنین وضعی با فرهنگ اسلامی، مغایر است. او معتقد است که حاکمان عثمانی، نه تنها برای از بین بردن روحیه راحت‌طلبی و تبلی در مکه تلاشی نکرده‌اند؛ بلکه با سرازیر کردن صدقات خود به این شهر، موجب ابقای آن نیز شده‌اند:

ولقد أدركت الحكومات العثمانية هذا السرفي الماضي فلم تعمل لتغيير عقلية التواكل في مكة وفي الحجاز كله، بل عملت على تثبيت قواعدها وتعميق جذورها بإجراء الأرزاق على هؤلاء الأعراب الذين نزحوا إلى مكة واستوطنوها، وتشجيع ذوي اليسار على حبس الأوقاف لإجرائها عليهم، بذلك توطن روح التواكل والتعود بالبلد الحرام. (هیکل، ۲۰۱۲: ۱۱۹)

شواهد بالا نشان‌دهنده این است که نوع تصویر سازی نویسندگان عرب از دیگری ترک از نوع دوم (التشویه السلبی) است که ریشه در خصومت‌های دو قوم در سال‌های پایانی امپراطوری عثمانی دارد و این نکته که نویسندگان تنها به نقاط منفی دوره حاکمیت ترکان اشاره کرده و حتی به یک نمونه مثبت هم اشاره نکرده‌اند، نشان‌دهنده میزان خصومت آنان نسبت به دیگری ترک است.

۲-۲-۳. سایر تصاویر دیگری

در کنار مواردی که پیش‌تر مطرح شد، انواع دیگری از تصاویر دیگری نیز در سفرنامه‌ها به چشم می‌خورد که البته نسبت به دو نوع پیشین بسیار کم‌رنگ‌ترند. این تصاویر عبارتند از: دیگری وهابی، دیگری غیرمسلمان و دیگری شیعه.

یکی از انواع تصاویر دیگری در سفرنامه‌های مورد بررسی، تصویر دیگری وهابی است که با اوصاف منفی‌ای چون: افراطی‌گری و خشونت ترسیم شده است. به عنوان نمونه، هیکل در بخشی از یادداشت‌های خود، از سیاست‌های افراطی و ویران‌گرایانه وهابیون به ویژه در ویران کردن برخی از آثار تاریخی ارزشمند و اماکن متبرکه در عربستان، انتقاد کرده است:

فلما استقرّ الأمر للأشراف في الحجاز بدءوا يفكرون في الإصلاح، لكنهم لم يلبثوا أن دهمتهم الحرب السعودية التي أصابت المدينة بمثل ما أصابتها ثورة النهضة، بل بشرّ مما أصابها به، كانت المدينة من ناحية العمارة الأثرية متحفاً نفيساً بالغاً غاية الجمال، كانت القباب المقامة على قبور أمهات المؤمنين وعلى قبور الصحابة بالبقيع بعض ما يشهد لفن العمارة الإسلامية بسبق يغبطه عليه أكثر الناس تقدماً في العمارة (هیکل، ۲۰۱۲: ۴۰۸).

هیکل معتقد است که مکه از دیرباز محل برخورد مذاهب و آرای گوناگون بوده و امروزه نیز محل برخورد اندیشه وهابیت با دیگر فرق اهل سنت است. از نگاه وی، وهابیون در اجرای فقه اهل سنت، به خشونت و افراط متوسل شده‌اند:

فالنجديون الحاكمون يتبعون مذهب ابن عبد الوهاب، وهو مذهب أحمد بن حنبل؛ وهم يتبعونه في شدة وغلواً كانا أوضح أثراً أول تسلطهم على الحجاز في سنة ۱۹۲۶، ويقر كثيرون بأن الوهابية طهرت البلد الحرام من مفساد كثيرة كانت تجري فيه. (همان: ۱۰۹)

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، اندیشه‌های دینی ارسلان به دور از تعصبات است. او در بخشی از یادداشت‌های خود هنگام بازدید از قبر عبدالله بن عباس در طائف و مشاهده ویرانی گنبد آن، علت این

اقدام وهابیون را جلوگیری از رواج اندیشه‌های انحرافی مانند قبرپرستی می‌داند. او ضمن این که، این قبیل اقدامات را با اهداف یادشده مورد تأیید قرار داده، معتقد است آن‌ها در این مسیر راه افراط و تدریج را نیز در پیش گرفته‌اند:

وبجانب المسجد قبة فيها قبر حبر الأمة عبد الله بن عباس رضي الله عنهما، إلا أنّ الوهابيين أزالوا القبة وأبقوا القبر، وذلك بحسب عاداتهم في هدم القباب وكراهية زيارتها على الوجه الذي اعتاده كثير من العوام وبعض الخواص من الاستغاثة والتوسل وتقبييل الحجارة وما شاكل ذلك مما هو خلاف الشرع ولا يسمعون فيه لومة لائم...، ولا إنكار أنّ الوهابيين يبالغون في الهدم والقطع والنقض والقلع كلما مروا بقبة أو مزار أو شجرة تعلق عليها خرق وتفسر جلودهم من هذه المناظر؛ ولكنني مع اعترافي بغلوهم في هذا الأمر لا أراهم حائدين فيه عن سنن الشرع القويم (ارسلان، ۲۰۱۲: ۱۲۱)

از دیگر انواع تصاویر دیگری در سفرنامه‌های مورد بررسی، تصویر دیگری غیرمسلمان است. هیکل معتقد است: بعد از برخورد اسلام با تمدن‌های روم و ایران که به دنبال فتوحات اسلامی رخ داد، نوعی انحراف در تفکر اسلامی به وجود آمد. وی هنگام زیارت مسجدالنبی (ص) در مدینه، گزارش مفصلی از تاریخ بنای مسجد نبوی از زمان رسول خدا (ص) تا دوره حاضر ارائه داده است و معتقد است که معماری مسجد در زمان رسول خدا (ص) در اوج سادگی و البته متناسب با روح تعالیم اسلامی بوده است؛ اما بعد از رحلت ایشان، به تدریج معماری اولیه آن متحول شده و از سادگی به سمت تجمل و پیچیدگی رفته است. از نگاه هیکل، این تحول در معماری، نشان‌دهنده تحول یا به عبارتی انحراف در اندیشه اسلامی است که در نتیجه برخورد مسلمانان با غیرمسلمانان (رومیان و ایرانیان) به وجود آمده است:

وإنما تأثر المسلمون في نمط بنائهم بما رأوا من هياكل ومعابد؛ لأنّ الفكرة الإسلامية تطورت بحكم الحوادث وتقلُّبها، فسارت من البساطة التجريدية الأولى إلى تركيب وتعقيد ماديين أدى إليهما الاختلاط بالروم والفرس والنظر في عقائدهما، وما أكبر الفرق بين هذا التركيب وهذا التعقيد الماديين وبين بساطة الإيمان بالله وحده إيماناً مصادره القلب والعقل، الأعمال في هذا الإيمان بالنيات، ونية المؤمن فيه خير من عمله. (هیکل، ۲۰۱۲: ۳۹۶)

هرچند که هیکل برخورد با غیرمسلمانان را عامل انحراف فکری مسلمانان می‌داند؛ اما این به معنای نگاه ستیزه‌جویانه او نیست. همچنان که دیگر نویسندگان هم، چنین نگاهی به دیگری غیرمسلمان ندارند. به عنوان نمونه، لطفی جمعه، اسلام را دینی معرفی می‌کند که در کنار مخالفت با ستم بر پیروان ادیان غیرآسمانی، بر تسامح با اهل کتاب نیز تأکید کرده است:

وهذا الدين يهني عن اضطهاد أهل الأديان الأخرى، ويقبل الكثير مع الكثير من التسامح مع أهل الكتاب. (لطفی جمعه، ۲۰۱۲: ۲۹)

یکی دیگر از انواع تصاویر دیگری در سفرنامه‌های مورد بررسی نیز، تصویر دیگری شیعه است. نگاه نویسندگان عرب نسبت به فرق اسلامی به ویژه شیعیان و اهل سنت، نگاهی برخاسته از اندیشه وحدت

اسلامی است. بدین معنا که در سراسر سفرنامه‌های مورد بحث، هیچ‌گونه نگاه تقابلی یا ستیزه‌جویانه پیرامون سایر مذاهب اهل سنت و یا تفکر شیعی دیده نمی‌شود. هیکل تنها در یک مورد، از رفتار شیعیان در زیارت قبور بقیع ابراز تعجب کرده است. وی هنگام زیارت بقیع متوجه افرادی شده که مدت‌ها در کنار قبور اهل بیت^(ع) گریه و زاری می‌کنند؛ اما هنگام مشاهده قبر خلیفه سوم بدون توجه به آن به سرعت از کنارش عبور می‌کنند. نویسنده وقتی درباره این افراد می‌پرسد، به او گفته می‌شود که آن‌ها شیعیان هستند که همچنان خون عثمان را علت برانگیخته شدن آشوب و فتنه بین امام علی^(ع) و معاویه و بین اهل بیت^(ع) پیامبر^(ص) و بنی‌امیه و حتی عامل شهادت علی^(ع) و امام حسین^(ع) می‌دانند و به همین دلیل به سرعت از کنار قبر او گذشته و نماز نمی‌خوانند و برایش طلب آمرزش نمی‌کنند:

علی أُنِي عَجِبْتُ لِقَوْمٍ رَأَيْتُهُمْ يُطِيلُونَ الْوُقُوفَ عِنْدَ قُبُورِ أَهْلِ الْبَيْتِ وَيَبْكُونَ أَحْرَّ الْبَكَاءِ، فَإِذَا مَرَّوْا بِقَبْرِ عُمَانَ اسْتَحْثُوا الْحُطَا فَمَا يَقْفُوا عِنْدَهُ، قَالَ أَصْحَابِي حِينَ سَأَلْتُهُمْ فِي ذَلِكَ: أَوْلَيْتُمْ جَمَاعَةَ الشَّيْعَةِ، فَهَمَّ مَا يَزَالُونَ يَذْكُرُونَ أَنَّ دَمَ عُمَانَ هُوَ الَّذِي أَذْكَى الْفِتْنَةَ بَيْنَ عَلِيٍّ وَمَعَاوِيَةَ، وَبَيْنَ بَنِي أُمِيَّةٍ وَآلِ الْبَيْتِ، وَأَنَّهُ الَّذِي أَدَّى إِلَى مَقْتَلِ عَلِيٍّ وَالْحَسَنِ؛ وَهَمَّ لِذَلِكَ يَمْرُونَ بِهَذَا الْقَبْرِ سِرَاعاً لَا يَصْلُونَ عَلِيَّ صَاحِبَهُ وَلَا يَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَهُ. (هیکل، ۲۰۱۲: ۴۴۵-۴۴۴)

به باور نویسنده، این رفتار شیعیان اگر از سر خشم نباشد، ناشی از باورهای شعوبی‌گری و سیاسی است که در طی نسل‌ها از گذشتگان به آن‌ها ارث رسیده است، بدون آنکه درباره علت و منشأ آن اندیشیده باشند:

أَمْ أَنَّهُمْ لَيْسَتْ الْمَوْجِدَةُ وَلَكِنِهَا الْعَقِيدَةُ الَّتِي يَتَوَارَثُهَا الْأَجْيَالُ مِنْ غَيْرِ تَفْكِيرٍ فِي سَبَبِهَا وَمِنْشَأِهَا، وَالَّتِي تَنْشَأُ أَوَّلَ أَمْرٍهَا مَتَأَثَرَةً بِأَهْوَاءِ شُعُوبِيَّةٍ أَوْ سِيَاسِيَّةٍ أَغْلَبَ الْأَحْيَانُ؟! (همان)

یکی از گام‌های مهم تحقق وحدت در جهان اسلام، تلاش در جهت تقریب مذاهب اسلامی و پرهیز از تفرقه و اختلاف‌انگیزی است. بر این اساس در هیچ بخشی از سفرنامه لطفی جمعه به عنوان یکی از منادیان وحدت اسلامی، نگاه تقابلی و ستیزه‌جویانه نسبت به مذاهب اسلامی به ویژه تشیع دیده نمی‌شود. تنها در یک مورد به اختلاف نظر شیعیان با اهل سنت اشاره شده که مربوط به مدت وقوف در منا است. نویسنده هنگام ترک منا بعد از دو روز توقف، بدون هرگونه انتقاد یا سوگیری به این مسأله اشاره کرده است که همه مسلمانان منا را ترک کرده‌اند، مگر گروه اندکی از شیعیان و مردم غیرعرب و گروهی از یمنی‌ها:

وَتَرَكْنَا مَنَى أَسْفِينٍ عَلَيْهَا (فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ) وَلَمْ تَرَكَ فِي مَنَى إِلَّا قَوْمًا قَلِيلًا مِنَ الشَّيْعَةِ وَالْأَعْجَامِ وَالْيَمَانِيِّينَ الَّذِينَ يَلْزَمُونَ الْجِبَالَ (لطفی جمعه، ۲۰۱۲: ۱۸۴).

در سفرنامه ارسال نیز هیچ نشانی از تعصبات مذهبی دیده نمی‌شود، به ویژه تقابل شیعه و سنی در منظومه فکری او هیچ جایگاهی ندارد. وی تنها در یک بخش از یادداشت‌های خود هنگام شرح فاصله میان عرفات تا منا و نحوه حمل و نقل حجاج در این فاصله، به این نکته اشاره کرده است که شیعیان اگر

هلال ماه را رؤیت نکنند، یک شب بیشتر از زائران دیگر در منا می مانند که البته نویسنده معتقد است این تفاوت صرفاً تفاوت در نوع اجتهاد است نه مخالفت با شرع و بهتر است در این قبیل امور مردم آزاد باشند:

وقد يتأخر حجج الشيعة ليلة أخرى إن لم تثبت عندهم رؤية الهلال، وبعضهم يرى أنه يسعهم ما وسع أهل السنة، وعندني أنّ الأولى ترك الناس وحرثهم في أمور كهذه؛ إذ ليس في ذلك مخالفة للشرع، وإنما هو مجرد اجتهاد لا غير. (ارسلان، ۲۰۱۲: ۴۵)

نتیجه گیری

یافته های این پژوهش نشان دهنده نتایج زیر است:

- تصویر «خود» در سفرنامه های حج عربی، در قالب خود مسلمان و خود عرب نمود یافته است.
- خود مسلمان با دو رویکرد در سفرنامه های برگزیده ترسیم شده اند که عبارتند از: ۱- رویکرد انتقادی
۲- رویکرد اعجاب و تحسین. در رویکرد اول، نقد نویسندگان گاه متوجه عموم مسلمانان است و گاه متوجه حکومت های اسلامی. انتقاد از خود همچنین نشان دهنده این است که نویسندگان در واقع «دیگری» را در درون خود یافته اند. در رویکرد دوم نیز آنچه بیشتر مورد تحسین و شگفتی آنان قرار گرفته، تمدن و فرهنگ با شکوه و غنی اسلامی است. همچنین خود مسلمان در سفرنامه های یاد شده، تجلی پررنگ تری نسبت به خود عرب دارد که البته می تواند با توجه به ماهیت سفرنامه های حج که اصولاً سفری دینی است، قابل توجیه باشد. این ویژگی همچنین می تواند نشان دهنده نوع نگاه سفرنامه نویسان عرب به حج و مسائل پیرامون آن به عنوان مسئله ای فراملی و فراقومی باشد.
خود عرب پس از خود مسلمان، بارزترین جلوه «خود» در سفرنامه های برگزیده است که غالباً با چهره ای مثبت ترسیم شده و به تبع آن چندان مورد نقد واقع نشده است.
تصویر «دیگری» در سفرنامه های مورد بررسی به ترتیب در قالب دیگری غرب، دیگری ترک، وهابی، غیرمسلمان و شیعه نمود یافته است.

دیگری غرب در سفرنامه های مورد بررسی، با دو رویکرد متفاوت اتهام و انکار و یا تعامل و استقبال ترسیم شده است. این بدان معنا است که اندیشمندان عرب ضمن انتقاد از سیاست های استعماری و جنگ طلبانه غرب، با نگاهی واقع بینانه و تعاملی با برخی از دستاوردهای علمی و فرهنگی غرب مواجه شده اند. به نظر می رسد که اثرپذیری از آرای اندیشمندان روشنفکری مانند سیدجمال الدین اسدآبادی و محمد عبده و نیز زندگی و تحصیل در غرب و آشنایی نزدیک با تفکر و تمدن غربی، در بروز چنین نگاهی موثر بوده است.

برخلاف دیگری غرب، دیگری ترک همواره با چهره‌ای منفی ترسیم شده و مورد انتقاد قرار گرفته است. این نوع تعامل در واقع، امتداد تقابل‌های فرهنگی میان تمدن ترک و عرب است که در نتیجه شکل‌گیری اندیشه‌های پان‌ترکی در اواخر امپراطوری عثمانی به وجود آمده است و در نهایت به یکی از عوامل فروپاشی آن منجر شد. به بیان دیگر، تعامل نویسندگان عرب با دیگری ترک، صرفاً از موضع برتر است که راه را بر هر نوع تعامل سازنده بسته است.

غیر از دیگری غرب و دیگری ترک، انواع دیگری از تصاویر دیگری در سفرنامه‌های یاد شده ترسیم شده‌اند که عبارتند از: دیگری وهابی، دیگری غیرمسلمان و دیگری شیعه که در مقایسه با دو نوع اول، کمرنگ‌تر به نظر می‌رسد.

از جهت انواع تصاویر خود و دیگری و میزان نمود آن در سفرنامه‌ها نیز، تفاوت چندانی میان سفرنامه‌های مورد بررسی دیده نمی‌شود.

منابع

منابع عربی

- ارسلان، شکیب. (۲۰۱۲م). الارتسامات اللطاف فی خاطر الحاج إلى أقدس مطاف؛ د.ط، قاهره: مؤسسة هندآوری للتعلیم و الثقافة.
- حسین هیکل، محمد. (۲۰۱۲م). فی منزل الوحي؛ د.ط، قاهره: مؤسسة هندآوری للتعلیم و الثقافة.
- حمود، ماجده. (۲۰۰۰م). مقاربات تطبيقية فی الأدب المقارن؛ د.ط، دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
- ضیف، شوقی. (۱۹۵۷م). الأدب العربی المعاصر فی مصر؛ قاهره: دارالمعارف.
- عباسعلی، مریم و دیگران. (۱۳۹۸ش). «جدلیة الأنا و الآخر فی أشعار عزالدین المناصرة»؛ مجلة الأدب العربی، السنة الحادية عشرة، العدد الأول، ۱-۲۲.
- عبود، عبده. (۱۹۹۸م). الأدب المقارن؛ مدخل نظری و دراسات تطبيقية؛ دمشق: جامعة البعث.
- عیسی، فوزی. (۲۰۱۰م). صورة الآخر فی الشعر العربی؛ مصر: دار المعرفة الجامعية.
- لطفی جمعه، محمد. (۲۰۱۲م). الأيام المبرورة فی البقاع المقدسة؛ د.ط، قاهره: مؤسسة هندآوری للتعلیم و الثقافة.
- محمد فهیم، حسین. (۱۹۸۹م). أدب الرحلات؛ د.ط، الكويت: عالم المعرفة.

منابع فارسی

- انصاری، منصور. (۱۳۸۴). دموکراسی گفتگویی؛ تهران: مرکز.
- تودورف، تزوتان. (۱۳۷۷). منطق گفتگویی میخائیل باختین؛ ترجمه داریوش کریمی، تهران: مرکز.

- خدوری، مجید. (۱۳۶۰). *ناسیونالیسم و سوسیالیسم و کمونیسم در جهان عرب*؛ ترجمه حمید احمدی، چاپ اول، تهران: الهام.
- عنایت، حمید. (۱۳۵۸). *سیری در اندیشه سیاسی عرب*؛ ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- گاردینر، مایکل. (۱۳۸۱). «*تحلیل معمولی باختین*»؛ *فصلنامه ارغنون*، ترجمه یوسف اباذری، شماره بیستم، صص ۳۳-۶۶.
- لطیف پور، عبدالله و دیگران. (۱۳۹۶). «*تقابل و تعامل «خود» و «دیگری» در رمان مادرم دو بار گریست از ابراهیم یونسی*»؛ *ادبیات پارسی معاصر*، سال ۷، شماره ۳، صص ۷۱-۹۲.
- مرادی، مجید. (۱۳۸۴). «*فراز و فرود مواجهه جهان عرب با غرب*»؛ *مجله چشم انداز ارتباطات فرهنگی*، شماره هجدهم، صص ۳۳-۳۵.
- میرزایی، حسین و امین پروین. (۱۳۸۹). «*نمایش دیگری: جایگاه غرب در سفرنامه‌های دوره ظهور مشروطیت*»؛ *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، سال سوم، شماره نهم، صص ۷۷-۱۰۵.
- نامور مطلق، بهمن. (۱۳۸۸). «*درآمدی بر تصویر شناسی؛ معرفی یک روش نقد ادبی و هنری در ادبیات تطبیقی*»؛ *مطالعات ادبیات تطبیقی*، سال سوم، شماره دوازدهم، صص ۱۱۹-۱۳۸.

صورة «الأنا» و«الآخر» في رحلات الحج العربية المعاصرة

معصومة نعمتي قزويني، أستاذة مساعدة في قسم اللغة العربية وآدابها بأكاديمية العلوم الإنسانية والدراسات الثقافية

الملخص

«الأنا» و«الآخر» يُعدّان من المفاهيم الأساسية لبناء الهوية، ومن أهمّ المجالات في الدراسات الثقافية في العصر الحاضر. هذه الدراسات، من خلال توفير مجالات خصبة لمعرفة الأمم بعضها ببعض، ومن خلال زيادة الثقة بالنفس ومعرفة الذات، تمهّد الظروف للتفاعل الإيجابي والبناء بين مختلف الأمم. تسمّى هذه النظرية في مجال الأدب بالصورولوجيا، والتي تكوّنت لأول مرة في أعمال المفكرين الفرنسيين في أوائل القرن التاسع عشر. يمكن أن يكون أدب الرحلات-نظراً لطبيعته- من أخصب المجالات في الدراسات المهمة بالصورولوجية. منهج هذا البحث وصفي-تحليلي، إذ قام بدراسة ثلاث رحلات الحج لشكيب أرسلان ومحمد حسين هيكل ومحمد لطفي جمعة خلال السنوات ١٣٤٩-١٣٥٩ هـ.ق. وتشير نتائج البحث إلى أنّ مفهوم «الأنا» تجلّى في الأنا المسلم والأنا العربي؛ كما تجلّى مفهوم «الآخر» في شكل الآخر الغربي والآخر التركي والآخر الوهابي والآخر الشيعي والآخر غير المسلم.

الكلمات المفتاحية: أدب الرحلات، رحلات الحج العربية، الصورولوجيا، الأنا، الآخر.